

دریچه

نشریه ویرایتی منتشر کرد

فیلم اسکور سیزی شاهکار محبوب اسپیلبرگ



همدلی استیون اسپیلبرگ گفته است «فقای خوب» اسکورسیزی شاهکار مورد علاقه اوست، به نقل از ایندیندنت، استیون اسپیلبرگ «فقای خوب» اسکورسیزی را شاهکار مورد علاقه‌اش از این کارگردان خوانداین درام جنایی سال ۱۹۹۰ با بازی ری لیوتای فقید در نقش هنری یکی از اعضای مافیای ایرلندی-ایتالیایی و دوستش جیمی با بازی رابرت دنیرو و تامی با بازی جو پشی را تصویر می‌کند که از جرم‌های کوچک فراتر می‌روند و به قتل‌های خشن می‌رسند.اسپیلبرگ در مطلبی نوشته است: دیگر حسابش از دستم در رفته که چند بار تا به حال این شاهکار حماسی سینمایی را تماشا کرده‌ام. کارگردان «آزواره‌ها» استدلال کرده که در این فیلم هیچ بازی پس زمینه‌ای وجود ندارد و از دنیرو، پشی و لیوتبا به عنوان یکی از بهترین گروه‌های بازیگری تاریخ سینما یاد کرد. او تأکید کرد که تماشای این فیلم فقط نستست و ۲ ساعت و ۲۶ دقیقه لذت بردن از یک فیلم نیست، بلکه یک ماستر کلاس برای هر فیلمساز مشتاقی است که می‌خواهد تصویری متوازن و نفس‌گیر از چندین داستان، خط زمانی، خشونت تکان دهنده و طنز خشن را ببیند.اسپیلبرگ گفته که نه تنها چنین سستو، برای انرژی مست‌کننده‌اش که نه تنها از طریق تدوینی استادانه بیان می‌شود، بلکه بهترین نمره را از گرافیتی آمریکایی و بهترین روایت از زمان را ارائه می‌کند.او گفت: هر کسی یک فیلم اسکورسیزی را خیلی دوست دارد و این فیلم فیلم محبوب من است.ری لیوتا، رابرت دنیرو، پل سورویتو و جو پشی در این فیلم با هم بازی کرده‌اند.اسکورسیزی ۸۰ ساله در طول چند دهه فعالیت حرفه‌ای‌اش حداقل ۸۹ فیلم ساخته و تنها اسکار کارگردانی را برای «رفگان» محصول ۲۰۰۶ دریافت کرده است.اظهار نظرهای اخیر او درباره مشروعیت فیلم‌های ابرقهرمانی مارول بحث‌های وسیعی را به راه انداخت و استیون گراهام یکی از افرادی بود که در پاسخ به مخالفان گفت: او مارتی است، مارتی می‌تواند هر چه می‌خواهد بگوید.اسپیلبرگ این اظهار نظر را در پاسخ به پرسش «ورایتی» مطرح کرد که به تازگی فهرست ۱۰۰ فیلم برتر تاریخ سینما را از نظر منتقدان این نشریه منتشر کرده است.

حضور گسترده استان‌ها در پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر
همدلی دبیر بخش تجسم هنر پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر از اعلام آمادگی و مشارکت گسترده استان‌ها کشور در برگزاری جشنواره پانزدهم خبر داد. به نقل از ستاد خبری جشنواره، سید مصطفی زراوندیان دبیر بخش تجسم هنر ضمن ارزیابی مثبت روند تعامل ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها با دبیرخانه پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی امسال همچون سال گذشته همزمان با برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی فجر در پایتخت، شاهد برپایی نمایشگاه‌های هنری در استان‌های سراسر کشور نیز خواهیم بود.
افزود: به‌منظور تمرکززدایی، بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های موجود در استان‌ها و نیز ایجاد زمینه‌های لازم جهت ارائه آثار هنرمندان مستعد سراسر کشور، در این دوره نیز تدابیر و تمهیدات مقتضی پیش‌بینی شده است تا هنرمندان از اقصی‌نقاط کشور بتوانند آثار هنری خود را به دبیرخانه جشنواره ارسال و در این رویداد هنری شرکت کنند.زراوندیان ضمن اشاره به بخش‌های مختلف پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بیان کرد: هماهنگو هر دو فراخوان نیز قید شده است، جشنواره امسال در دو بخش اصلی (طوبای زرین) و ویژه (فله‌ها) برگزار می‌شود که بخش طوبای زرین رقابتی بوده و شامل آثار ارسالی هنرمندان رشته‌های تصویرسازی، خوشنویسی، طراحی گرافیک، عکاسی، کارتون و کاریکاتور، نقاشی، نگارگری و حجم (مجسمه، سرامیک، چیدمان) است. بخش قله‌ها نیز تلافی می‌کند به ترسیم قله‌های افتخار ایران و ایرانی بپردازد.دبیر بخش تجسم هنر ادامه داد: به موازات برگزاری ۲ بخش اصلی و ویژه، بخش تجسم هنر نیز به نمایش آثار هنرمندان مقیم استان‌ها در استان‌های مربوطه اختصاص دارد. با توجه به هماهنگی‌ها و هم‌افزایی‌های صورت‌گرفته میان دبیرخانه جشنواره و مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌های سراسر کشور، به نظر می‌رسد که امسال شاهد استقبال و حضور پررنگ هنرمندان استان‌ها در پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر باشیم.زراوندیان در بخش پایانی سخنان خود خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه رویکرد جشنواره پانزدهم مبتنی‌بر هنر خلاق، وحدت‌بخشی، امیدآفرین و هویت‌مند در قالب هنر متعالی برای مردم است، در این دوره تلاش شده است که جشنواره بستر مناسبی برای پیوند و ارتباط هرچه بیشتر آحاد مردم با هنرهای تجسمی باشد.یادآوری می‌شود که پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر به دبیری سیدعباس میرهاشمی، بهمن ماه سال ۱۴۰۱ در تهران و سایر استان‌های کشور برپا می‌شود.
علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره این رویداد هنری می‌توانند به سایت جشنواره به نشانی www.fajrtajsonmi.ir مراجعه کنند.

همدلی «تابلوی پیکاسو در موزه ملی ایران اصل نیست»، خبری که مدت‌زمان زیادی از انتشار آن نمی‌گذرد اما سرودایی در رسانه‌ها به پا کرده است. یک کارشناس پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی - فرهنگی که این‌خبر را اعلام کرده، می‌گوید این اثر چایی است و حدود ۵۰ سال قبل به‌صورت دیجیتال چاپ شده. اما این نکته به‌ظاهر جزئی که در بیانیه موزه ملی ایران نیز تأیید شده، با تاریخچهی چاپ دیجیتال در هنر معاصر همخوانی ندارد.تشنخیص اصل بودن یا نبودن یک اثر هنری به‌ویژه وقتی‌که در زمان دوری خریداری شده باشد، کار چندان آسانی نیست. بررسی این موضوع الزام پژوهشی و بررسی مرمتگران آثار تاریخی و فرهنگی و کارشناسان اصالت‌سنجی آثار هنری را طلب می‌کند که با دقت و روش‌های مختلفی باید این موضوع را بررسی کنند. «هرگ دلقک گیتاریست» عنوان اثری از پیکاسو است که با حواشی پیش آمده پیرامون اصل بودن آن، از این قاعده‌ی کلی جدا نیست. در همین راستا پژوهشگران آثار تاریخی و فرهنگی برای بررسی موضوع اصالت این اثر که در مخزن موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، وارد عمل شده و نکات تازه‌ای را کشف کرده‌اند.فتح‌الله نیازی نام پژوهشگری است که یافته‌هایش نشان می‌دهد: «این تابلو یک چاپ دستگاهی روی کرباس در حدود ۵۰ سال پیش بوده است.»

نکته‌های که موزه ملی ایران نیز در بیانیه خود درباره‌ی این اثر بر روی آن تأکید دارد: «اثر موردنظر یک چاپ دیجیتال روی بوم از یکی از آثار معروف پابلو پیکاسو موسوم به مرد دلقک در حال نواختن گیتار است.» این اظهارات و یافته‌ها اما به‌جای آنکه به شفاف شدن مسائل پیرامون تابلوی پیکاسو کمک کند، سئوالات بیش‌تری را به وجود می‌آورد. یکی از اصلی‌ترین سئوالات پیرامون این اثر نچندان شناخته‌شده پیکاسو، این است که چطور می‌شود درحالی‌که پیشینه‌ی چاپ دیجیتالی آثار هنری، به دو دهه‌ی اخیر بازمی‌گردد، اثری از پیکاسو به گمان می‌رود اواخر دوره‌ی پهلوی خریداری شده، چاپ دیجیتالی باشد؟

برای بررسی دقیق‌تر ایمن موضوع به نظر می‌رسد که ابتدا باید گذری به پیشینه‌ی چاپ آثار هنری داشته باشیم.

چاپ دستی اثر هنری، نقطه‌ی عطفی در هنرهای تجسمی

سعید باباوند؛ کارشناس چاپ آثار هنری - در ایسن زمینه گفته بود: چاپ دستی

فرهنگ وهنر

نگاهی به ماجرای تابلوی «هرگ دلقک گیتاریست»

جنجال پیکاسو در ایران



تعدادی از آثار را بگیرد یا امتیاز بفروشد. محسوب می‌شود که از دوران رنسانس توجه هنرمندان را جلب کرد و از قرن هفدهم توانست تا به‌عنوان اثر مستقل جای خود را پیدا کند. به‌این‌ترتیب هنرمند شروع به تولید نوعی از اثر قابل تکثیر در مقابل اثر یونیک کرد.

آنچه چاپ دستی اثر هنری را از چاپ دیجیتال متمایز می‌کند و در کنار اصل اثر به آن ارزش می‌بخشد، این است که در هنر چاپ دستی خود هنرمند چاپ‌کار است و این است که چطور می‌شود درحالی‌که پیشینه‌ی چاپ دیجیتالی آثار هنری، به دو دهه‌ی اخیر بازمی‌گردد، اثری از پیکاسو به گمان می‌رود اواخر دوره‌ی پهلوی خریداری شده، چاپ دیجیتالی باشد؟ برای بررسی دقیق‌تر ایمن موضوع به نظر می‌رسد که ابتدا باید گذری به پیشینه‌ی چاپ آثار هنری داشته باشیم.

چاپ دستی اثر هنری، نقطه‌ی عطفی در هنرهای تجسمی

سعید باباوند؛ کارشناس چاپ آثار هنری - در ایسن زمینه گفته بود: چاپ دستی

گفت‌وگو با «فاطمه جعفر آبادی فرد»، به بهانه‌ی حضور آثارش در نمایشگاه گروهی «بامداد»

حس زندگی از طبیعت در نقاشی



همدلی | **کمال کلابانی:** گالری «آبریک» در غرب پایتخت، به‌تازگی اقدام به برگزاری نمایشگاهی به نام «بامداد» کرده که شامل نقاشی‌های «فاطمه جعفر آبادی فرد»، «مریم ببرز کار» و «ناهد باختر» بود؛ سه نقاش جوان و حرفه‌ای که سال‌هاست در این رشته فعال‌اند و تاکنون نمایشگاه‌های متعددی از آثارشان برپا کرده‌اند. فاطمه جعفرآبادی با مدرک دیپلم طراحی لباس از هنرستان فنی حرفه‌ای تهران، فعالیت حرفه‌ای خود را در رشته‌ی نقاشی از سال ۹۷ و زیر نظر استاد «مجید اوشانی» شروع و تاکنون تابلوهایی در سبک‌های رئال، طراحی با مداد، سیاه‌قلم، سفیدقلم، تک‌رنگ، پاستل، مداد رنگی و قلم فلزی خلق کرده است. او پیش‌از‌این، آثارش را در ده نمایشگاه گروهی به نمایش گذاشته و سه بار موفق به دریافت تقدیرنامه‌ی هنرمند برتر از موسسه‌ی «گل‌های داوودی» در نمایشگاه‌های گروهی «آرژنگ» (سال ۹۸) و «بانوی صخره‌ها» (سال ۱۴۰۰) شد.

دریافت لوح سپاس برای خلق آثار هنری با موضوع «متروپل» از استان خوزستان شده است. با «فاطمه جعفر آبادی فرد» به بهانه‌ی برگزاری نمایشگاه تازه‌اش در گالری آبریک گفت‌وگو کرده‌ایم.

شما در مهرماه امسال نمایشگاهی از آثارتان را با عنوان «رسام» در گالری زرنا برگزار کرده بودید. چه شد که به فاصله‌ی دو ماه پس‌از آن، نمایشگاه دیگری برگزار کردید؟

من برای این موضوع پیش از برگزاری نمایشگاه «رسام» برنامه‌ریزی کرده بودم و وقتی تاریخ نمایشگاه را تعیین کردیم، تصمیم گرفتم برای انتخاب بعدی نمایشگاه، دو ماه زمان صرف بکنم و بعد نمایشگاه «بامداد» را برگزار بکنم.

در نمایشگاه قبلی، آثار طراحی و سیاه‌قلم را به نمایش گذاشتید اما در نمایشگاه «بامداد»، تابلوهایی رنگ‌روغن و مداد رنگی را به نمایش گذاشتید. دلیل خاصی برای این انتخاب داشتید؟ چرا کارهایی از هر دو سبک را در گالری آبریک روی دیوار نفرستادید؟
به نظر هر چیزی در سبک و تکنیک خودش می‌تواند خود را نشان بدهد. برای نمایشگاه «رسام» خیلی دوست داشتم شروع کارم با تکنیک قلم فلزی باشد و به‌مراتب در نمایشگاه‌های بعدی تکنیک‌های متفاوت‌تر را به نمایش بگذارم.

که این نسخه چند از چند است و شماری تیراژ، پشت آن قرار دارد. برای مثال ممکن است از هر کاری ۱۵۰ تا چاپ شده باشد.» او در ادامه بیان می‌کند: «در اواسط قرن ۱۹ به بعد به دلیل اینکه کارهای هنرمندان صاحب‌نام، خیلی گران بود، تمام کشورها و موزه‌ها شروع به خرید ری‌پروداکشن‌ها کردند. باید توجه داشت که در این کارها هیچ نسخه‌ی نسخه‌ها فرق می‌کند؛ یکی نسخه‌ی پنجم و یکی نسخه‌ی پنجاهم را خریداری کرده است. این آثار ری‌پروداکشن‌هایی هستند که خریداری شده و اکثراً فکر کرده‌اند که اصل هستند اما نیست. اثر پیکاسو نمی‌تواند چاپ دیجیتال باشد و پژوهشگر در این زمینه اشتباه کرده است؛ چراکه پیشینه‌ی چاپ دیجیتال با این اثر همخوانی ندارد.»

این کارشناس هنر، درباره‌ی ابعاد سیاسی تابلوی پیکاسو چنین فکر می‌کند: «من درباره‌ی این موضوع که اصل تابلو عوض شده یا نه نمی‌توانم اظهارنظری کنم. ما در موزه‌ها امین اموال داریم. باید ببینیم که او چه زمانی کار را تحویل گرفته است و در صورت اموال که به وزارت دارایی و اداره کل موزه‌ها می‌رود چه چیزی نوشته شده است. اگر نوشته شده که اثر اصل بوده و به‌عنوان اثری از پیکاسو قیمت‌گذاری شده و قیمتش را میلیون دلاری گذاشته‌اند و اصل اثر را تحویل داده‌اند، شاید این نظر که به‌جای کار اصلی اثر چایی گذاشته‌اند، درست باشد.»

او درعین‌حال تأکید دارد: «من نمی‌توانم تا زمانی که مشخص نشده چه زمانی این کار به موزه تحویل داده شده، چه کسی تحویل داده و بین چند نفر دست‌به‌دست شده، کسی را زیر سؤال ببرم.»

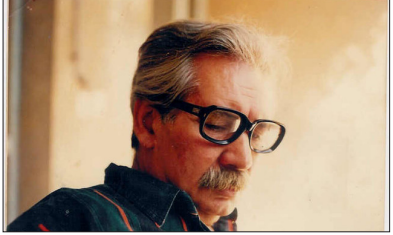
این کارشناس اصالت‌سنجی آثار هنری اضافه می‌کند: «باید دقیقاً از مسئول موزه سؤال شود که این کار اصلاً چه زمانی وارد موزه شده است» در زمان پهلوی اول بوده یا پهلوی دوم؟ ضرورتی‌که از این اموال تهیه شده، آیا به‌عنوان اثر اصلی ثبت شده است؟»

او در آخر جمع‌بندی می‌کند: «آن چیزی که مسلم است، این است که کار دیجیتالی نیست. باید مشخص شود که در مشخصات اثر چه چیزی نوشته شده است. اگر زمان تحویل کار بعد از انقلاب باشد، روی کار رنگ گذاشته‌اند و خواسته‌اند که به‌عنوان اثر اصل بفروشند اما اگر قبیل از انقلاب باشد، کار ری‌پروداکشن است و بازهم چاپ دیجیتالی نمی‌تواند باشد.»

من و خانم باختر و خانم بزرکار دوست هستیم و سال‌هاست کنار هم به نقاشی کشیدن مشغولیم. انتخاب من با این دو بانوی نقاش، اول به خاطر حس دوستانه بود که سال‌ها برقرار است و دوم، سبک کارهای نقاشی و اهداف مشترکی که بین‌مان جریان داشت. از این انتخاب کاملاً راضی هستیم. در مورد برگزاری نمایشگاه افرادی هم باید بگویم که از قبل برنامه‌ریزی داشتم تا به امید خدا در سال آینده نمایشگاه انفرادی‌ام را برگزار بکنم.
باز خورد علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی در نمایشگاه «بامداد» چگونه بود؟ آیا با برگزاری این نمایشگاه، نتیجه‌ای که انتظار داشتید به دست آمد؟
حضور علاقه‌مندان به هنرهای تجسمی در نمایشگاه به هنرمند روحیه و انگیزه می‌دهد و باعث می‌شود بازدیدکننده‌ها با هنر نقاشی بیش‌تر آشنا بشوند. ممکن است به‌مراتب انتقاداتی هم از آثار بشود که از نظر من، بازخورد و اتفاق خوبی است اما اگر بخواهم از فروش آثار حرف بزنم، نه متأسفانه! برگزاری این نمایشگاه، برای حمایت از هنرمند بازخوردی نداشت و شاید این موضوع در فرهنگ هنر برای هنرمند ناراحت‌کننده باشد.
چرا گالری «آبریک» را برای برگزاری نمایشگاه انتخاب کردید؟ فکر نمی‌کنید اگر یک گالری در مرکز یا شمال شهر انتخاب می‌کردید، بازخورد بیش‌تر و بهتری دریافت می‌کردید؟
انتخاب ما برای گالری، در وهله‌ی نخست محیط گالری بود، چون به نظرم برای برگزاری نمایشگاه نقاشی، حس هنری داشت اما این‌که بگویم گالری در کدام منطقه‌ی شهر باشد بازخورد بهتری بگیریم، به نظر اصلاً فرقی نمی‌کند، چون طی این سال‌ها در تمام نقاط شهر، در گالری‌های متفاوت و نمایشگاه‌های گروهی زیادی شرکت کرده و این تجربه را داشته‌ام. به نظر من، گالری هر کجا باشد، نتیجه‌ی بازخورد به علاقه‌مندانی بستگی دارد که نسبت به هنر نقاشی، ذوق و شوق هنری دارند و از آن استقبال می‌کنند.
حرف ناگفته‌ای اگر مانده، بفرمایید.
نکنه‌ی مهمی که هر هنرمند دوست دارد مطرح بکند، این است که به هنر و هنرمند احترام بگذارند و از آن‌ها حمایت بکنند. یک نقاش برای ثبت آثارش سال‌ها تلاش کرده، زمان و هزینه صرف کرده تا موضوع و هدفی را که در سر دارد، به نمایش بگذارد. رد شدن از کنار این موضوع، باعث می‌شود این رشته روزبه‌روز کمرنگ بشود و در نسل‌های بعدی به‌صورت خیلی محدودی فرزندمانان به سمت هنر نقاشی بروند. این مسئله، کاملاً ناراحت‌کننده است.

رویداد

مدیر انتشارات معین از کتاب‌های داستان‌نویس شهیر گفت **ممنوعه‌ای در صدر آثار احمد محمود**



همدلی | مدیر انتشارات معین با بیان اینکه کتاب‌های احمد محمود هنوز چاپ می‌شود، از وضعیت این کتاب‌های این نویسنده گفت. احمد محمود (اعط) ۴ دی ۱۳۱۰ در شهر اهواز به دنیا آمد. دیروز تولد ۹۱ سالگی او بود؛ هرچند ۱۲ مهرماه ۱۳۸۱ به دنبال یک دوره بیماری ربوی در تهران از دنیا رفت.

محمود پس از سپری کردن دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، به دانشکده افسری ارتش راه یافت. گفته می‌شود او ازجمله دانشجویان دانشکده افسری بود که پس از کودتای ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲ بازداشت شد. احمد اعطا یکی از این دانشجویانی بود که توبه‌نامه‌ای امضا نکرد و به همکاری با حکومت پهلوی تن نداد. به همین دلیل مدت زیادی را در زندان به سر برد و گویا مشکل ربوی او که در نهایت به مرگش منجر شد، باقی‌مانده همان دوران بوده است. هرچند سیگار هم بسیار می‌کشید.

او در سال ۱۳۳۳ نخستین داستان کوتاهش را با نام «صب می‌شه» در مجله امید ایران منتشر شد، و در سال ۱۳۳۸ توانست اولین مجموعه داستانش را به نام مول با سرمایه شخصی به چاپ رساند. مشهورترین رمانش «همسایه‌ها» را هشت سال پس از نوشتن در سال ۱۳۵۲ منتشر کرد؛ این رمان سرنوشت عجیبی دارد، هم قبیل از انقلاب و هم بعد از انقلاب جزو کتاب‌های ممنوعه بوده و در عین ممنوعیت به‌صورت ریززمین چاپ و عرضه می‌شود.

صالح راسری؛ مدیر انتشارات «معین» که کتاب‌های احمد محمود را به چاپ می‌رساند، با بیان این‌که کتاب‌های احمد محمود همچنان چاپ می‌شود گفت: «درخت انجیر معابد» در چاپ پانزدهم، «مدار صفر درجه» در چاپ شانزدهم، «زمین سوخته» در چاپ بیستم، «غریبه‌ها» و «پسک بومی» در چاپ دهم، «قصه آشنا» در چاپ پنجم، «از مسافر تا تخیل» در چاپ هشتم، «دبیدار» در چاپ سیزدهم و «داستان یک شهر» در چاپ بیستم قرار دادند. همچنین ترجمه محمود از «آدم زنده» نوشته‌ی مسدوح بن عاظل ابوتزل به چاپ چهاردهم رسیده است.

او با بیان این‌که «سه کتاب» نیز به چاپ ششم رسیده است، عنوان کرد: این کتاب درواقع اولین داستان‌نوی احمد محمود با نام‌های «مول»، «دریا هنوز آرام است» و «بیهودگی» است که با هزینه شخصی یا هزینه دوستانش منتشر شده بود. خود او راضی به انتشار این داستان‌ها نبود و می‌گفت این‌ها داستان‌های خوبی نبوده و خسام بودند اما با توجه به تماس‌هایی که از سوی دانشجویان و کسانی که می‌خواستند داستان‌های محمود را بررسی کند، داشتیم، گفتیم ما همه نوشته‌های را چاپ کرده‌ایم، این‌ها هم چاپ شود، که با استقبال روبه‌رو شد.

با توجه به سخنان این ناشر، کتاب «همسایه‌ها» تنها کتاب ممنوعه احمد محمود نیست؛ «ژاثری در باران» نیز توقیف شده است. ارشاد به پنج سطر از کتاب ایراد گرفته و خواسته‌اند حذف شود. من به آن‌ها گفته‌ام «تا زمانی که محمود زنده بسود باید می‌گفتید، من نویسنده‌ی مرده او کجا بیاورم که اجازه بدهد این چند سطر حذف شود یا نشود!»

«همسایه‌ها» رمان معروف احمد محمود یکی از کتاب‌های است که همواره در «لیست‌های پیشنهادی کتاب برای خواندن» قرار دارد، اما سال‌هاست مجوز چاپ ندارد و فقط نسخه‌های افسسش در بساط دست‌فروشی‌های کنار خیابان انقلاب پیدا می‌شود. حتی برخی کتاب‌فروش‌ها به افرادی که دنبال کتاب هستند می‌گویند می‌توانند نسخه افسسش را از دست‌فروشی‌های کنار خیابان بخزند. پسر احمد محمود پیش‌تر دربار این کتاب گفته بود: «چاپ کتاب همسایه‌ها عملاً ممنوع است، اما چاپ غیرقانونی فسران‌وان دارد. الان بروید خیابان بخواهید، می‌توانید بخرید؛ چطور نمی‌تواند جلو چاپ‌های غیرقانونی را بگیرند؟ مایه تأسف آنده است که به این اندازه چاپ غیرقانونی می‌شود اما کسی نیست جلو آن را بگیرد.» و توضیح داده بود: پیگیر رفع ممنوعیت کتاب بوده‌ایم اما جواب خاصی به ما نمی‌دهند. اگر جوانی هم بدهند این‌طور نیست که بتوان آن را منتقل کرد. البته این موضوع برای خیلی وقت پیش بوده است.» راسری هم درباره این‌که آیا او به‌عنوان ناشر برای رفع ممنوعیت کتاب «همسایه‌ها» با چاپ مجدد آن اقدامی انجام نداده است، گفت: «در زمان وزارت عطاالله مهاجرانی کتاب را برای ارشاد فرستادیم، گفتند چند مسئله دارد که باید حذف شود. بعد هم اجازه ندادند. آن زمان مجوز نداند، فکر می‌کنید در این دوره مجوز بدهند؟»

او سپس گفت: کتابی درباره جاده ابریشم به وزارت ارشاد سپرده‌ایم. ایرادی که به کتاب گرفته‌اند این است که نویسنده غربی می‌خواهد، شرقی‌ها را وحشی نشان دهد. در زمان جاده ابریشم آمریکا و اروپا وجود نداشت. نمی‌توانیم به یک نویسنده غربی بگوییم با توجه به معیارهای بورس وزارت ارشاد کتاب بنویسید. او بر اساس نگاه خود نوشته و ما وظیفه داریم جواشش را بدهیم. مثلاً فلان مورد اشکال دارد. با این کارها مردم از دانسته‌های جدید محروم می‌ماند و یک نسل کم‌سواد می‌شود.